

وظایف والدین در تربیت دینی فرزندان از دیدگاه فقه تربیتی

سکینه احمدی منتظر،^۱ طاهره کریمی^۲

چکیده

همه مکاتب بشری به ضرورت تربیت اتفاق نظر دارند هرچند که ممکن است در کیفیت و روش‌های آن با هم اختلاف نظر داشته باشند. تربیت از بعد دینی رشد تکامل یافته همه جانبه انسان است؛ زیرا براساس معارف قرآن و عترت، مهمترین دلیل ارسال نبی و اهل بیت علیهم‌السلام رساندن بشر به تربیت به‌ویژه از بعد دینی بوده است. انسان با الگو گرفتن از کتاب و سنت و با استفاده از روش‌های تربیت دینی می‌تواند به بهترین وجه ممکن سعادت‌مند شود. تربیت به واسطه هجده‌های فرهنگی، زندگی مدرن، فضای مجازی، دوستان و... چالش‌هایی دارد. بنابراین، تبیین وظایف والدین در تربیت دینی و تطبیق انتزاعی آن با خانواده‌های امروزه می‌تواند تا حدودی خلل‌های تربیتی خانواده‌ها را جبران کند. هدف از پژوهش حاضر تبیین آثار و ویژگی‌های تربیت دینی در اسلام و تبیین موانع رشد و تربیت در خانواده دینی، تبیین مراحل تربیت دینی از منظر آیات و روایات و تبیین ادله قرآنی و روایی وظیفه‌مندی والدین در تربیت دینی است. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای و با تحلیل مراحل قبل و پس از تولد از منظر فقه تربیتی انجام شده است.

واژگان کلیدی: وظایف، والدین، تربیت دینی، فقه تربیتی.

۱. کارشناسی ارشد فقه تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

اگرچه به نظر کارشناسان امور تربیتی، عوامل پنج‌گانه ژنتیک، خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان و تجربه‌های شخصی، شکل‌دهنده اصلی شخصیت هر فرد هستند، اما نقش خانواده در جایگاه رکن مهم‌تر و تأثیرگذارتر بسیار برجسته است؛ زیرا رشد و تعالی، فرهنگ‌پذیری و ثبات شخصیت در درون خانواده شکل می‌گیرد. انبیا آمده‌اند تا انسان را تربیت کنند و این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق‌الطبیعه برسانند. امروزه ماشینی شدن زندگی و فشارهای اجتماعی و اقتصادی، روال طبیعی و کامل زندگی خانوادگی را برهم زده است. مسائل و مشکلات بیرونی خانواده چنان ذهن والدین را مشغول کرده است که گاه از وظیفه خود در قبال فرزند و حل مسائل درونی خانواده بازمی‌مانند. گاه نقش پدر در جایگاه مدیر خانواده به نقش نان‌آور تبدیل می‌شود که تنها ثمره حضورش، تأمین نیازهای مادی خانواده است و از نقش اصلی خود که نقش پدری است بازمی‌ماند. برخی مادران هم با قبول مشغله‌های بیرونی از وظیفه اصلی خود یعنی، آرامش دادن به کودک بازمانده‌اند. نوشتار حاضر با نگاهی به وظیفه والدین در تربیت دینی فرزند و وظایف آنها را در این زمینه گوشزد می‌کند.

در طول تاریخ تربیت فرزند همواره مورد توجه پدران و مادران بوده است. باتوجه به مبانی مکتب انسان‌ساز اسلام، فلاح و رستگاری کودکان در گرو تربیت صحیح دینی است. بنابراین، هرکس دغدغه‌مند تربیت است درصدد راه‌حلی برای تربیت فرزندان است و مشکلات و معضلات به وجود آمده را از کم‌کاری‌ها و عدم پرداختن به تربیت دینی می‌داند. تاجایی که جوانان جامعه به سردرگمی می‌رسند و دست به کارهایی می‌زنند که جبران‌ناپذیر است و حتی به تباهی خود جوان منجر می‌شود. این امر می‌تواند به نماد الگوگیری دیگر فرزندان منجر شود و نتایج ناخوشایندی به دنبال داشته باشد. والدین برای دوری از این معضل باید به وظایف خود در زمینه تربیت دینی عمل کنند، پس در قدم نخست والدین به اصلاح خود در زمینه خودسازی بپردازند، سپس با توفیق الهی و توسل و مدد از ائمه علیهم‌السلام به وظایف دینی خود در قبال فرزندان عمل کنند. اگر این معضل تربیتی حل نشود باعث فروپاشی نظام اصیل خانواده می‌شود، اما اگر والدین وظایف خود را در قبال تربیت

دینی فرزندان انجام دهند جوانان و کودکان با انگیزه و تلاش به راه خود ادامه می دهند و با داشتن هدفی مشخص مسیر اصلی خود را پیدا می کنند و جوان از بی هویتی در امان می ماند.

اسلام تربیت فرزندان را از وظایف والدین و در شمار حقوق فرزندان می داند. در منابع روایی بر ضرورت و اهمیت تربیت تأکید شده است. امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِّثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا لَقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ؛ دل نوجوان همچون زمین خالی است که هرچه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، من پیش از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم» (شریف الرضی، ۱۳۹۱). از وظایف والدین در تربیت دینی، اول تربیت اعتقادی است. «فرزندم به خدا شرک مورز که شرک، ظلم بزرگی بر خداست» (لقمان: ۱۳). منطق آیه، حرمت شرک ورزی به خدا و مفهوم آیه، وجوب اعتقاد به وحدانیت خداست، پس یکی از وظایف والدین ایجاد باورهای اعتقادی در فرزند است.

دومین وظیفه والدین در تربیت دینی، تربیت عبادی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد گویی ده هزار حج انجام داده است» (نوری، ۱۴۲۹، ۱۱۴/۱۵). در این روایت استحبابی مؤکد شده است که کیفیت عمل به آن ده هزار برابر عمل واجب است. براساس این روایت، یکی از وظایف والدین آموزش قرآن کریم است. باتوجه به آنچه گفته شد و باتوجه به اینکه بر همه رفتارها و اعمال عاملین تربیت از جمله والدین، حکم فقهی و شرعی مترتب است نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این است که آیا والدین در قبال تربیت دینی فرزندان وظیفه دارند و از نظر شرعی چه احکامی از وجوب و استحباب و... بر آن مترتب می شود. درباره وظایف والدین در تربیت دینی فرزند کتاب هایی مانند وظایف والدین در تربیت دینی فرزندان براساس روان شناسی اسلامی از ژاله فر (۱۳۹۹)، رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان از رضایان بیلندی (۱۳۹۳) و مقاله های متعددی مانند وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره از اعرافی و ابراهیمی (۱۳۹۸) نوشته شده است. در کتاب وظایف والدین در تربیت دینی فرزندان براساس روان شناسی اسلامی بررسی شده است. در مقاله وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان با محوریت سیره و در فصل

چهارم کتاب رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان به طور کلی بیان شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا وظایف والدین را براساس ساحت‌های دیگر تربیت از منظر فقه تربیتی بررسی کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت در لغت

تربیت به معنای پرورش دادن است که در آن نمو و زیادتی ملاحظه شده است. راغب می‌گوید: «رب در اصل به معنای تربیت است و رب به طور مطلق فقط بر خداوند اطلاق می‌شود که متکفل اصلاح موجودات است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶). تربیت در زبان فارسی به معنی پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و... است. در عربی، مصدر باب تفعیل از ریشه رَبَّ یا رَبَّو است (احمدبن فارس، ۱۳۹۹، ص ۴۱۹).

۲-۲. تربیت در قرآن

در قرآن کریم، مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است: «و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت؛ زمین را خشک و بی حاصل می‌بینی، پس هنگامی که باران فرومی‌فرستیم تکانی می‌خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می‌شود». (حج: ۵) «و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرا؛ بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده همان طوری که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند» (اسراء: ۲۴). برخی از محققان می‌گویند که رب در جمله «ربّیانی» از ماده ربواست نه از ماده ربب چون معنای تربیت در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از: نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادی و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در بیشتر موارد ملاحظه نشده است، البته تربیت به مفهوم عام آن، همه مراتب نشو و نما و زیادتی را از مادی و معنوی شامل می‌شود. بنابراین، واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است. همچنین تربیت به معنای تهذیب و ازبین بردن صفات ناپسند اخلاقی نیز به کار رفته است. تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و ازاین نظر می‌توان تهذیب را نیز تربیت دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۳/۳۲۴).

۳. وظایف والدین در قرآن

برای رشد و شکوفایی فرزندان در مسیر زندگی باید برخی حقوق ازطرف پدر و مادر نسبت به آنها رعایت شود. تعداد زیادی از این وظایف در روایات آمده است. در قرآن نیز برخی از آیات به طور صریح و برخی با اشاره تعدادی از وظایف والدین را بیان کرده اند.

۳-۱. ابراز محبت پدر و مادر نسبت به فرزندان

«لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ وَالْقَوَّةُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ؛ گوینده ای از ایشان گفت: یوسف را نکشید و اگر [واقعاً] انجام دهنده این کار هستید او را در جان پناه چاه بیفکنید تا برخی کاروان ها او را پیدا کنند». (یوسف: ۱۰۷) درس ابراز محبت پدر و مادر نسبت به فرزندان را نیز می توان از این بخش از داستان فراگرفت که پدر و مادر در ابراز محبت نسبت به فرزندان باید فوق العاده دقت به خرج دهند و بحث عدالت ورزی میان فرزندان به ویژه در وجه محبت که کوتاهی در این امر موجب تحقق عقده و کینه ورزی می شود را رعایت کنند. اگرچه حضرت یعقوب علیه السلام بدون شك در این باره مرتکب خطایی نشد و ابراز علاقه ای که نسبت به حضرت یوسف علیه السلام و برادرش بنیامین می کرد روی حسابی بود، ولی این ماجرا نشان می دهد که حتی باید بیش از مقدار لازم در این مسئله حساس و سختگیر بود؛ زیرا گاه می شود که ابراز علاقه نسبت به يك فرزند چنان عقده ای در دل فرزند دیگر ایجاد می کند که او را به همه کار و امی دارد و فرد چنان شخصیت خود را درهم شکسته می بیند که برای نابود کردن شخصیت برادر یا خواهرش حد و مرزی نمی شناسد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۳، ۳۲/۹).

۳-۲. وظیفه تربیت فرزندان صالح براساس الگوی داده شده

«أُولَئِكَ الَّذِينَ أَعَمَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا؛ اینان گروهی از پیامبران بودند که خدا به آنان انعام کرده بود از فرزندان آدم و فرزندان آنان که با نوح در کشتی نشانیدیم و فرزندان ابراهیم و اسرائیل و آنها که هدایتشان کردیم و برگزیدیمشان». (مریم: ۵۸) اینان ذریه صالحی هستند که تو نیز باید خاندان

خود را بر وفق مرام و روش آنها راهنمایی کنی. شاید تأکید قرآن بر کلمه ذریه چنین مقصودی دارد (مدرسی، ۱۳۷۷، ۶۳/۷). یکی دیگر از وظایف والدین براساس این آیه، تربیت فرزندان صالح با روش معرفی الگوها در قالب داستان یا روش‌هایی که می‌تواند در فرزند مؤثر واقع شود، است.

۳-۳. عفو الهی در گرو عفو فرزندان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برخی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند از آنها برحذر باشید». (تغابن: ۱۴) بلافاصله در ذیل آیه برای تعدیل آنها می‌گوید: «وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و ببخشید خداوند شما را مشمول عفو و رحمتش قرار می‌دهد؛ زیرا خداوند بخشنده و مهربان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۶۳/۵). سه جمله «تَعَفُّوا، وَتَصْفَحُوا، وَتَغْفِرُوا» می‌خواهد مؤمنین را تشویق کند به اینکه اگر زن و فرزندانشان آثار دشمنی مذکور را از خود بروز دادند صرف نظر کنند و برحذر باشند که فریب آنها را نخورند. «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». اگر منظور از مغفرت و رحمت، مغفرت و رحمت خاصه الهی باشد که مغفرت و رحمتی که تنها به مؤمنین می‌رسد، به همان‌هایی که در آیه مورد بحث مخاطب به خطاب‌های «تَعَفُّوا» و «تَصْفَحُوا» و «تَغْفِرُوا» هستند و معنا این باشد که «اگر شما مؤمنین از خطا و دشمنی زنان و فرزندان خود چشم‌پوشی کنید خدای تعالی هم با شما به مغفرت و رحمت خود معامله می‌کند» در این صورت، جمله مورد بحث وعده جمیلی به مؤمنین است در برابر رفتار صالحی که کرده‌اند چنان‌که در آیه زیر همین وعده را به مؤمنین صاحب عفو و صفح داده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۵۱۶/۱۹).

نخستین کسانی که کودک از آنان درس می‌آموزد و بسیاری از غرایز و روحیات وی در ارتباط با آنها شکل می‌گیرد والدین هستند. پدر و مادر در ارتباط با فرزند اولین بذر رشد فردی و شخصیت کودک به حساب می‌آیند. مهمترین و سنگین‌ترین رسالت والدین، تربیت درست فرزند و تأمین نیازهای روحی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی وی است. پدر در خانواده نظر کودک را جلب می‌کند. بسیاری از رفتارهای پدر، مستقیم و غیرمستقیم در وجود کودک منعکس می‌شود. (وزیری، ۱۳۸۶،

ص ۵۶۷) بنابراین، آراستگی به صنعت گذشت تأثیر مهمی در روحیه فرزندان دارد. همچنین چگونگی مشارکت و هماهنگی پدر و مادر در امر تربیت کودک تأثیر مستقیم دارد. پدر، مکمل نقش تربیتی مادر نیز هست. در روایات اسلامی اولین قدم در تجلی عفو و گذشت پدر نسبت به فرزند در رفتارها و کردارهای او با همسر (مادر فرزند) تجلی پیدا می‌کند؛ یعنی وقتی پدر در رابطه خانوادگی با اعضای خانواده به‌ویژه همسرش با گذشت و عطفوت برخورد کند این رفتار او برای فرزندش به‌مثابه یک الگو ثبت می‌شود و چه بسا این رفتار پدر در تشکیل و تأمین امنیت اخلاقی-عاطفی فرزندان تأثیر بسزایی داشته باشد.

پیامبر ﷺ در مورد رفتار مناسب پدر با همسر و رابطه آن با فرزندان فرمود: «از حقوق فرزند بر پدر خود آن است که مادر وی را احترام و اکرام کند». (کلینی، ۱۳۷۵، ۷۸۳/۱۹) از نظر فرزند، مادر مظهر عطفوت و مهربانی و پدر مظهر اقتدار و حمایت است. هنگام مشاهده عطفوت و مهربانی مادر و گذشت پدر توسط فرزند، یک الگوی التقاطی در قدرت و گذشت در ذهن فرزند پدید می‌آید که در آینده می‌تواند تأثیر مثبت و مهمی در شخصیت فرزند داشته باشد؛ زیرا چنین محیط‌های گرمی، بهشت دنیوی فرزندان است و طعم شیرین زندگی را به آنها می‌چشاند (محدثی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). این امر به نوبه خود در تحکیم خانواده نیز مهم است. اصل تغافل و گذشت از مصادیق رفتار کریمانه با فرزند است. از دیدگاه اسلامی و روایات ائمه، گاهی پدر باید خود را به غفلت بزند و با گذشت و بخشش طوری وانمود کند که خدعه و فریب خورده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «الکریم یتغافل و ینخدع؛ کریم کسی است که خود را به غفلت می‌زند و ظاهراً فریب می‌خورد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷، ۲۴۱/۵).

نقش مادری نیز برای زن مسئولیت‌های زیادی به همراه دارد چون مادر از نگاه فرزند مظهر مهربانی و عطفوت است فرزند دلبستگی بیشتری به وی دارد و او را الگوی تربیتی خود برمی‌گزیند. مادر هنگام تربیت فرزند باید با گذشت و مهربانی بیشتری رفتار کند و به این نکته توجه داشته باشد که فرزندان نباید همانند خواسته او عمل و رفتار کنند؛ زیرا از دیدگاه اسلامی تفاوت بین دو نسل (فرزندان و والدین) مورد اهتمام بزرگان دین بوده و همواره بر این نکته تأکید شده است که هنگام

تربیت فرزندان به این تفاوت دقت شده و با گذشت و مهربانی با آنها رفتار شود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «لا تقسروا اوالدکم علی آدائکم؛ فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴). این رفتار نوعی شخصیت قائل شدن برای فرزندان است. با این نوع رفتار که آمیخته با گذشت است فرزندان خالصانه تر تلاش می کنند و تحرک خود را در خدمت اهداف و ایده های متعالی و تحکیم خانواده قرار می دهند (محدثی، ۱۳۸۰، ص ۴۷). تجلی دیگر گذشت مادران در مورد فرزندان در نوع رفتار محبت آمیز و پراز بخشش و گذشت آنها با پدران است؛ زیرا بهترین نوع دعوت به خیر و نیکی در تعالیم، دعوت عملی است. نقش دعوت عملی در سازندگی فرد و جامعه بسیار مهم و مؤثر است. امام صادق علیه السلام فرمود: «کونوا دعاه الناس بغير السنتکم؛ با غیر زبان های تان مردم را دعوت کنید» (کلینی، ۱۳۷۵، ص ۷۸). هنگامی که مادران در رفتارشان گذشت را به فرزندان می آموزند به آنها کمک می کنند تا به بلوغ شخصیتی برسند و این رفتارها را در زندگی شخصی و اجتماعی آینده به کار گیرند.

۴-۳. نصیحت فرزندان

«وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ نَبِيَهُ؛ ابراهیم و فرزندان خود را به (ملت و کیش) سفارش کرد». (بقره: ۱۳۲) قرآن با نقل وصیت حضرت ابراهیم علیه السلام گویا می خواهد این حقیقت را بازگو کند که «شما انسان ها فقط مسئول امروز فرزندانان نیستید، مسئول آینده آنها نیز می باشید. تنها به هنگام چشم بستن از جهان، نگران زندگی مادی فرزندانان بعد از مرگتان نباشید به فکر زندگی معنوی آنها نیز باشید». نه تنها حضرت ابراهیم علیه السلام چنین وصیتی کرد، بلکه فرزندزاده اش یعقوب نیز همین روش را از اجداد خود ابراهیم علیه السلام اقتباس کرد و در بازپسین عمر خود به فرزندانش گوشزد کرد که رمز پیروزی، موفقیت و سعادت در يك جمله کوتاه یعنی، تسلیم در برابر حق خلاصه می شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۳، ۴۶۳/۱). یکی از نصایح و هشدارهای حضرت علی علیه السلام به والدین استفاده از فرصت ها پیش از نابودی آنهاست. پدر و مادر مسئولیت پذیری که دغدغه تربیت فرزند خود را دارد

از همه فرصت‌ها برای تربیت وی بهره می‌گیرد چه بسا در فرزند زمینه تربیت وجود داشته باشد، ولی پدر و مادر فرصت یا توان این مهم را از دست بدهد و در نتیجه نتواند آن‌گونه که دلش می‌خواهد به تربیت فرزند همت بگمارد.

حضرت علی علیه السلام در این باره به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «پسرم! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی‌ام روبه کاستی رفت به نوشتن [این نامه] وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو برشمردم پیش از آنکه اجلم فرارسد و رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم و پیش از آنکه در نظرم کاهشی پدید آید چنان که در جسمم پدید آمده است و پیش از آنکه در تو زمینه پذیرش از میان برود». این سخن حضرت علی علیه السلام می‌آموزد که اگر زمینه کار خیری فراهم شد و وقت انجام دادن آن فرارسید کوتاهی و سهل انگاری جایز نیست؛ زیرا ممکن است انسان در آینده زنده نباشد یا توان انجام این کار را نداشته باشد. برای مثال، ممکن است بیماری و ناتوانی یا هزاران مانع دیگر، انسان را از انجام وظیفه بازدارد. حضرت علی علیه السلام در سخن خود چند مانع اساسی در راه تربیت فرزند بازگو می‌کند: فرارسیدن اجل، ازدست دادن سلامت و قوت فکر، ازبین رفتن زمینه مناسب.

«وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ». (هود: ۴۲) حضرت نوح علیه السلام برای اینکه از طرفی به وظیفه پدری خود عمل کند و از سوی دیگر به پسرش که گفته شده است نامش کنعان بود حجت را تمام کند به وی گفت: «ای پسرک من! با ما بر کشتی سوار شو، با ما هم عقیده باش، مبادا با کفار هم عقیده و طعمه غرقاب شوی» (نجفی خمینی، ۱۳۷۷، ۲۸۶/۷). چرا حضرت نوح علیه السلام فقط فرزند خود را به سوار شدن دعوت کرد؟ زیرا انسان نسبت به فرزند خود وظیفه سنگین‌تری دارد و والدین نسبت به سرنوشت فرزندان خود مسئول هستند: «يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا» (هود: ۴۲). (قرائتی، ۱۳۸۷، ۳۲۳/۵) والدین در زمینه تربیت دینی باید حجت را تمام کنند تا مبادا کوتاهی در امر تربیت پدید آید. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ» (لقمان: ۱۳). در این آیات حضرت لقمان ده توصیه حکیمانه به فرزندش دارد که حاکی از میزان اهمیت دادن قرآن به تربیت و نصیحت فرزندان است (نجفی خمینی، ۱۳۷۷، ۱۲/۱۶).

۴. وظایف والدین در روایات

روایات معصومین علیهم السلام در زمینه تربیت فرزند متعدد است از جمله روایت معروفی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «فرزند سه حق بر پدر دارد: اول، انتخاب نام نیکو؛ دوم، کتابت، نوشتن و سوادآموزی؛ سوم، ازدواج زمانی که فرزند بالغ شد». (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۴/۶) در روایت دیگری از امام علی علیه السلام آمده است: «حق فرزند بر پدر این است که نام نیکویی برایش انتخاب کند و او را نیکو تربیت کند و قرآن را به او یاد بدهد» (شریف الرضی، ۱۳۹۱). از این روایات به روشنی استفاده می شود که تربیت فرزندان از مهمترین وظایف والدین است. خانواده ای سعادتمند است که بتواند فرزندانش را براساس برنامه های دینی و اسلامی تربیت کند.

۴-۱. انتخاب نام نیکو برای فرزند

پس از تولد نوزاد، اولین وظیفه والدین انتخاب نام خوب برای فرزند است. نام خوب و سازگار با فرهنگ اسلامی از نظر تربیتی اهمیت فراوان دارد؛ زیرا نامی که والدین برای فرزند انتخاب می کنند تا آخر عمر همراه اوست و به همان نام خوانده می شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمود: «یکی از از حقوق فرزند بر پدر و مادر برگزیدن نام نیکو برای اوست». نام نیکو، نامی است که با فرهنگ اسلامی به ویژه فرهنگ شیعی سازگار باشد مانند نام ها، القاب و اوصاف امامان معصوم علیهم السلام. سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام در نام گذاری فرزندان به ویژه امام حسن و امام حسین علیهم السلام بیانگر اهمیت این موضوع است. بنابراین، لازم است که پیروان و شیعیان معصومین از آنها تبعیت کنند و به انتخاب نام فرزند اهمیت داده نامی را برگزینند که با فرهنگ تشیع سازگار باشد.

۴-۲. فراهم کردن زمینه تحصیل فرزندان

آموزش فرزند و باسواد کردن او از وظایف دیگر والدین است که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام به آن تأکید شده است. پدر و مادر مسئولیت دارند تا برای باسواد کردن فرزندان دختر و پسر تلاش کنند. والدین باید زمینه مدرسه رفتن فرزند را فراهم کنند تا از نعمت خواندن و نوشتن برخوردار شوند. هرچند امروزه آموزش کودکان جامعه در مدارس انجام می گیرد و معلمان دلسوزی

به این کار مشغول هستند، ولی پدر و مادر نباید نسبت به تربیت فرزند مدرسه‌ای خود بی تفاوت باشند. همکاری خانه و مدرسه و نظارت والدین در فعالیت‌های آموزشی کودکان در این امر تأثیر فراوان دارد.

۳-۴. فراهم کردن محیط مناسب تربیتی

محیط خانواده در رشد ابعاد گوناگون کودک نقشی اساسی دارد؛ زیرا کودک نخستین بار در محیط خانه با دنیای بیرون آشنا می‌شود و از اطرافیان خود مسائل را یاد می‌گیرد. پدر و مادر اولین مربیانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند. از این رو، باید زمینه مناسب را برای فراگیری معارف دینی فرزند فراهم کنند. والدین منبع همه مفاهیم، افکار، مهارت‌ها و گرایش‌های کودک هستند به گونه‌ای که رشد و تکامل و فهم و ادراک کودک در سال‌های اول زندگی از این راه شکل می‌گیرد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲) والدین غیر از تأمین مایحتاج زندگی و رفع نیازهای جسمانی فرزند موظف هستند محیط سالمی از نظر تربیتی برای فرزند پدید آورند؛ زیرا کودک تمام رفتارهای کوچک و بزرگ پدر و مادر را درست تلقی کرده از آنها تقلید می‌کند. والدین باید محیط مساعدی برای تربیت و پرورش هرچه بهتر فرزند فراهم کنند. (امینی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱)

۴-۴. دوستی با فرزندان

یکی از نیازهای اساسی انسان از نظر روانی نیاز به محبت و برخورداری از عواطف دیگران است. این نیاز در سال‌های اول زندگی و دوره کودکی بسیار شدید و پاسخ گفتن بدان از ضروریات است. بر مربیان کودک به ویژه بر پدر و مادر لازم است که این نیاز روانی و عاطفی فرزند را برطرف کنند. وظیفه پدر و مادر نسبت به فرزند تنها در تأمین نیازهای مادی و جسمانی او خلاصه نمی‌شود، بلکه مهم‌تر از آن تأمین نیازهای روحی و عاطفی کودک است؛ زیرا طبیعت کودک چنین اقتضا دارد که او را دوست بدارند و به او محبت بورزند و کانون گرم و اطمینان بخشی را برایش پدید آورند تا در پرتو آن با دنیای پرجاذبه بیرون آشنا شود. اکسیر محبت و دوستی درمان بسیاری از نگرانی‌ها و بیماری‌های روحی و روانی و حتی جسمانی کودک است. (جوادی طبسی، ۱۳۷۶، ص ۸۱) در

احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام بر محبت به فرزند بسیار تأکید شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «احبوا الصبيان و ارحمهم؛ کودکان را دوست بدارید و به آنها محبت ورزید» (کلینی، ۱۳۷۵، ۴۹/۶). در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام به حکایت از حضرت موسی علیه السلام آمده است: «موسی بن عمران گفت: پروردگارا کدام عمل نزد تو برتر است. فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا فطرت آنها را بر فطرت و یگانگی خودم آفریده‌ام» (نوری، ۱۴۲۹، ۱۱۴/۱۵). از این نمونه روایات فراوان است و از آنها می‌توان دریافت که یکی از وظایف مهم والدین، محبت و دوستی با فرزند است. کودک در اثر محبت پدر و مادر احساس امنیت می‌کند و این را درک می‌کند که پشتوانه قوی در زندگی دارد. چنین کودکانی اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و افراد مستقل و بارآده‌ای بارمی‌آیند.

۴-۵. ازدواج

یکی دیگر از وظایف پدر و مادر فراهم کردن زمینه ازدواج فرزند است. نیاز جسمی و روانی انسان به ازدواج پس از بلوغ روشن است و زمینه این کار را باید پدر و مادر فراهم کنند. ازدواج آثار تربیتی فراوانی دارد و جوانان به وسیله آن از بسیاری از انحرافات و مفاصد فردی و اجتماعی محفوظ می‌مانند. خدای متعال خلقت زن و ازدواج را از نشانه‌های قدرت و عظمت خود معرفی کرده است آنجا که می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون؛ و از آیات و نشانه‌های خدا این است که از خود شما برای شما جفت‌هایی آفرید تا بدان‌ها بیارامید و در میان شما دوستی و مودت و مهر برقرار ساخت. در این نکته نشانه‌هایی است برای آن گروهی که می‌اندیشند» (روم: ۲۴). آیات و روایات در این زمینه زیاد است و از مجموع آنها به دست می‌آید که ازدواج از مسائل اساسی زندگی بشر است و پدر و مادر باید در این زمینه اقدام کنند. وظیفه مهم دیگر والدین در قبال فرزند، ازدواج او در هنگام جوانی است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۲. احمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، ابوالحسین (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. قم: دارالفکر.
۳. اعرافی، علی رضا، و ابراهیمی، جواد (۱۳۹۸). وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان ازمنظر سیره. نشریه مطالعات فقه تربیتی، (۱۱)، ۸۷، ۶۳.
۴. امینی، ابراهیم (۱۳۷۵). آیین تربیت. قم: انتشارات اسلامی.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. جواد طوسی، محمد (۱۳۷۶). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
۸. رضاییان بیلندی، حسین (۱۳۹۳). رسانه و نقش والدین در تربیت فرزندان. تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۹. زاله فر، تقی (۱۳۹۹). وظایف والدین در تربیت دینی فرزندان براساس روان شناسی اسلامی. تهران: انتشارات نیکان کتاب.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۹۱). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۱۱. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۲). روان شناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: انتشارات اسلامی.
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۷). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی. مترجم: کمره ای، محمد باقر. قم: اسوه.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۵). فروع کافی. بیروت: دارالاضواء.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۷. محدثی، جواد (۱۳۸۷). الفبای زندگی. قم: بوستان کتاب.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷). میزان الحکمه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۹. مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۷۷). تفسیر آسان. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۲۳. نوری، حسین (۱۴۲۹). مستدرک الوسائل. بیروت: آل البیت.
۲۴. وزیری، مجید (۱۳۸۶). حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن. تهران: نشر بین الملل.